

Structural Analysis of the Pre-Islamic poems from the Kamal Abu Deeb's point of view (Evaluation and critique the '*Alroa Al-Moghana'a*')

Houman Nazemian*

Abstract

The structuralism in literary approach is one of the approaches that have been highly concentrated by scholars and critics over the last century, and many literary works have been studied on this basis. The book "Arroa Al-Moghanna'a" is one of the outstanding works of the prominent contemporary Arab critic, Kamal AbuDeeb. In this book, he tried to analyze pre-Islamic poetry, inspired by the approaches of literary criticism in the West and based on structuralism, by criticizing the traditional approaches and stereotypes about pre-Islamic poetry. In this article, we have tried to criticize and examine this effect by a descriptive-analytical and critical approach. The results of this research show that the dominant approach to this book is not structural and is more poststructuralist. Despite worthwhile scrutiny about hidden codes and archetypes in the pre-Islamic poems, the use of different approaches in analysis, the vast volume of pages, the author's detailed explanation, the use of complex tables and diagrams and the use of abbreviations which are some of his own, makes the book as boring and boring. Of course, this deficiency is not of the scientific and research value of the book and should be considered as an invaluable part of the analysis of ancient Arabic poetry based on modern approaches of literary criticism.

Keywords: kamal abu beeb; literary criticism; structuralism; structuralism; structuralism.

* Associate Professor, Arabic Language and Literature, Kharazmi University, Tehran, Iran, nazemian@khu.ac.ir.

Date received: 2020-11-6, Date of acceptance: 2021-2-6

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تقدنامه زبان و ادبیات عربی، شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی
دوفصلنامه علمی (مقاله پژوهشی)، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ۲۲۱-۲۴۰

تحلیل ساختاری شعر جاهلی از دیدگاه کمال ابودیب

(نقد و ارزیابی کتاب الرئی المقنعه)

هومن ناظمیان*

چکیده

رویکرد ساختارگرایی در مطالعات ادبی از جمله رویکردهایی است که در طول یک قرن اخیر به شدت مورد توجه صاحب نظران و ناقدان قرار گرفته و سعی شده است بسیاری از آثار ادبی بر این اساس تحلیل و بررسی شود. کتاب الرئی المقنعه؛ نحو منهج بنیوی فی دراسته الشعر الجاهلی یکی از آثار ارزنده ناقد برجسته معاصر عرب، کمال ابودیب است. او تلاش کرده در این کتاب، با الهام از رویکردهای مطرح نقد ادبی در غرب و با محوریت ساختارگرایی، با شیوه‌ای جدید به تحلیل و بررسی شعر جاهلی بپردازد و با انتقاد از دیدگاه‌های سنتی و کلیشه‌ای درباره شعر جاهلی، طرحی نو دراندازد. در این مقاله تلاش کرده‌ایم با رویکرد توصیفی - تحلیلی و انتقادی به نقد و بررسی این اثر بپردازیم. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد حاکم بر این کتاب چندان هم ساختارگرایانه نیست و بیشتر پساساختارگرایانه است. علی‌رغم تحلیل‌های ارزنده و نکته‌سنجی‌های موشکافانه درباره رموز و پیام‌های نهفته در شعر جاهلی، استفاده از رویکردهای مختلف در تحلیل، حجم زیاد صفحات کتاب، توضیحات مفصل نویسنده، استفاده از جدول‌ها و نمودارهای پیچیده و به‌کارگیری علائم اختصاری که برخی ابداعی خود اوست، کتاب را تا حد زیادی کسل‌کننده و فهم مطالب آن را دشوار ساخته است. البته این نقص‌ها از ارزش علمی و پژوهشی کتاب نمی‌کاهد و باید آن را جزو تلاش‌های ارزنده در راستای تحلیل شعر کهن عربی بر مبنای رویکردهای نوین نقد ادبی دانست.

کلیدواژه‌ها: کمال ابودیب، شعر جاهلی، نقد ادبی، ساختارگرایی.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، nazemian@khu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

۱. مقدمه

ساختارگرایی تنها یک نظریه یا رویکرد در نقد ادبی نیست، بلکه نحله‌ای است از تفکر که در نیمه دوم قرن بیستم در مطالعات مربوط به علوم انسانی رواج یافت، مانند اسطوره‌شناسی، انسان‌شناسی، روان‌شناسی و ادبیات. البته تعریف واحد و متفق علیه از این اصطلاح در دست نیست، زیرا برحسب دیدگاه صاحب‌نظران، تعریف‌های متعددی از این رویکرد مطالعاتی وجود دارد. (فضل، ۱۹۹۸، ص. ۱۲۱، ۱۲۲).

به‌طور کلی ساختارگرایی، رویکردی است که هر پدیده‌ای را به‌منزله نظامی دلال‌تگر بررسی می‌کند خواه آن پدیده متن ادبی باشد خواه مد و پوشاک یا منوی غذای رستوران و... (پاینده، ۱۳۹۷، ص. ۱۵۵، ۱۵۶).

باید توجه داشت اگر ساختارگرایی را روش علمی بررسی مناسبات درونی عناصر سازنده یک شکل در نظر بگیریم، عمری بس کهن دارد، اما اگر آن را نظریه‌ای درباره شکل یا ساختار بدانیم باید آن را به اواخر قرن نوزده بازگردانیم. درخصوص ساختارگرایی ادبی نیز اگر آن را روش بررسی و تجزیه متون هنری بدانیم، قدیم‌ترین سند کتاب *نظریه ادبی* ارسطو خواهد بود، ولی ساختارگرایی به‌منزله نظریه‌ای خاص در تلاش‌های فرمالیست‌های روس در دومین و سومین دهه قرن بیستم و مطالعات رومن یاکوبسن در دهه ۱۹۵۰ در فرانسه ریشه دارد. کلود لوی استراوس در انسان‌شناسی و مردم‌شناسی، میشل فوکو در فلسفه، ژاک لاکان در روان‌کاوی و رولان بارت در ادبیات پیشگامان ساختارگرایی فرانسوی هستند. در این میان، کلود لوی استراوس یکی از بزرگ‌ترین انسان‌شناسان قرن بیستم یگانه کسی بود که صراحتاً خود را ساختارگرا می‌نامید (احمدی، ۱۳۸۶، صص. ۱۸۰-۱۸۳).

در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، لوسین گلدمن تحت تأثیر جورج لوکاج، تأثیر ساختارها و طبقات اجتماعی و جهان‌بینی و ذهنیت حاکم بر گروه‌های اجتماعی را در تولید اثر ادبی مورد توجه قرار داد، ساختارگرایی تکوینی را به‌وجود آورد (راغب، ۲۰۰۳، ص. ۱۱۹، ۱۲۰) که یکی از مهم‌ترین مبانی پژوهشی کمال ابودیپ در این کتاب به‌شمار می‌رود. کمال ابودیپ، عبدالسلام المسدی، صلاح فضل، ابراهیم زکریا، عبدالله الغدابی، سعید بنکراد (بازیار، ۱۳۹۶، ص. ۱۹) از جمله مهم‌ترین ناقدان عرب در عرصه ساختارگرایی هستند. در حوزه ساختارگرایی تکوینی نیز باید به محمد بنیس، یمنی العید، حمید لحمدانی، سعید علوش، جمال شحید و ادريس بلملیح اشاره کرد (همان). اهمیت کمال ابودیپ در نقد ادبی

تحلیل ساختاری شعر جاهلی از دیدگاه کمال ابودیب ۲۲۳

به قول شفیعی کدکنی «علاوه بر ذوق خاص و مدرنیسم ذاتی او که هم در شعر و هم در مطالعات ادبی‌اش گاهی به ماورای مدرنیسم می‌کشد ... حاصل تنوع مطالعات اوست. در مباحث زبان‌شناسی مدرن و فلسفه معاصر و شعر مدرن غرب و به‌ویژه مطالعه وسیع در نقد ادبی معاصر فرنگ» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱، ص. ۳۱۵).

هدف این مقاله نقد و بررسی رویکرد ساختارگرایانه کمال ابودیب در تحلیل شعر جاهلی در کتاب *الرؤی المقنعه* است.

۱-۱. سؤالات پژوهش

۱. ابودیب تا چه اندازه در تحلیل ساختاری شعر جاهلی موفق بوده است؟
۲. او از چه رویکردهایی برای تحلیل ساختاری شعر جاهلی بهره گرفته است؟
۳. موارد ضعف و قوت کتاب *الرؤی المقنعه* کدام است؟

۲-۱. پیشینه تحقیق

درباره ابودیب و آثار او پایان‌نامه و رساله‌هایی در جهان عرب و ایران نوشته شده که برحسب جست‌وجوی نویسنده مقاله شامل این موارد است:

- انصاری، نرگس و طیبه سیفی (۱۳۹۱)، «نظریه‌های موسیقی در شعر فارسی و عربی با نگاهی مقایسه‌ای به آثار محمدرضا شفیعی کدکنی و کمال ابودیب»، *لسان مبین*، شماره ۷. نویسندگان به مقایسه رویکرد شفیعی کدکنی و کمال ابودیب در بررسی موسیقی شعر فارسی و عربی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که ابودیب از نوآوری و ابتکارات بیشتری در شیوه مطالعاتی خود بهره برده است.

- ابورحیل، محمد حسین ابراهیم (۲۰۱۲)، *البنیویة فی النقد العربی الحدیث، کمال ابودیب نموذجاً. الاردن: جامعة الیرموک* (نویسنده مقاله فقط به یازده صفحه اول این پایان‌نامه دست یافت).

- شادی، شبوکی (۲۰۱۶)، *النص الشعری القديم فی ضوء المنهج البنیوی، مذکره لنیل شهادة الماستر فی میدان اللغة و الادب العربی، الجمهورية الجزائریة: جامعة العربی بن مهیدی*. در این

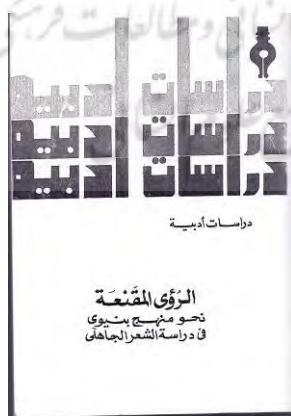
پایان‌نامه شصت صفحه‌ای، نویسنده به معرفی کلی روش ابودیب در این کتاب پرداخته و انتقادات صاحب‌نظران عرب و غربی درخصوص این اثر را مطرح کرده است.

- غربی، دليلة (۲۰۱۶)، المنهج النقدي لكتاب الرؤى المقنعة لكمال ابوديب، مذكره لنيل شهادة ماستر في ميدان اللغة و الادب العربي، جامعة العربي بن مهدي، الجمهورية الجزائرية. نویسنده بیشتر به توصیف محتوای کتاب و رویکردهای نقدی مورد استفاده ابودیب پرداخته و بخش پایانی را به نقدهایی که بر ضد این کتاب نوشته شده اختصاص داده است.

- خلوفي، كنزة (۲۰۱۷)، تجربة النقد النبوي عند كمال ابوديب، «الرؤى المقنعة» نموذجاً، مذكره مقدمة لنيل شهادة ماستر أكاديمي، جمهورية الجزائرية: جامعة محمد بوضياف بالمسيلة. نویسنده بخش اعظم پژوهش را به معرفی رویکردهای نقد ادبی و از جمله ساختارگرایی اختصاص داده و در بیست صفحه پایانی به بررسی روش تطبیقی ابودیب در کتاب الرؤى المقنعة پرداخت. نویسنده معتقد است ابودیب گاهی از مدار ساختارگرایی خارج می‌شود و در آثارش پیچیدگی وجود دارد.

- بازيار، رسول (۱۳۹۶)، رساله دکتری واکاوی رویکرد نقدي کمال ابوديب با تکیه بر نقد ساختارگرایی، دانشگاه تهران. در این رساله، نویسنده ضمن معرفی زندگی و آثار کمال ابودیب، به بررسی رویکردهای او در نقد ادبی پرداخته و ۱۳ صفحه را نیز به کتاب الرؤى المقنعة اختصاص داده است.

۳. مشخصات اثر



تحلیل ساختاری شعر جاهلی از دیدگاه کمال ابودیب ۲۲۵

کتاب *الرؤی المقنعة؛ نحو منهج نبوی فی دراسة الشعر الجاهلی*، کتابی است با قطع رقعی که در ۷۰۷ صفحه در سال ۱۹۸۶ در مصر به چاپ رسیده است. این کتاب از یک مقدمه، یک پیشگفتار، یازده فصل، یک شبه‌خاتمه و پیوست تشکیل شده است.

طرح جلد نسبتاً ساده است؛ در گوشه بالا سمت راست تصویر نوک قلم به چشم می‌خورد و در سه ردیف عبارت دراسات ادبیه تکرار شده است. البته نام مؤلف در روی جلد درج نشده است. شاید تکرار عبارت «دراسات ادبیه» اشاره‌ای به ساختارهای مختلف متن ادبی داشته باشد. به نظر می‌رسد اگر در طراحی روی جلد از تصاویر تداعی‌کننده زندگی عرب جاهلی استفاده می‌شد جذابیت بیشتری داشت.

صفحه‌آرایی کاملاً ساده و کسل‌کننده است، زیرا صفحات زیادی صرفاً با پاراگراف‌های پشت سر هم پر شده‌اند و تنوعی در صفحه‌آرایی دیده نمی‌شود. اندازه و نوع قلم هم مناسب است. تعداد زیادی جدول و نمودار در لابه‌لای کتاب قرار دارد، ولی فهرست جداگانه‌ای برای آن‌ها تدارک دیده نشده است.

ارجاع به منابع و مآخذ طبق شیوه‌ای که در بسیاری از کتاب‌ها و مقالات چاپ کشورهای عربی دیده می‌شود در پایان کتاب صورت گرفته و فهرست جداگانه‌ای برای منابع و مآخذ در نظر گرفته نشده است.

۴. نویسنده کتاب

کمال میخائیل ابودیب یکی از معروف‌ترین ناقدان در جهان عرب به‌شمار می‌رود. او در سال ۱۹۴۲ در شهر صافیتا در سوریه متولد شد. در سال ۱۹۶۴ از دپارتمان زبان عربی دانشگاه دمشق مدرک کارشناسی خود را دریافت کرد. در سال ۱۹۶۸ از کالج ترینیتی آکسفورد و در سال ۱۹۷۰ از کالج سنت جان آکسفورد فارغ التحصیل شد. مدرک دکتری خود را پس از دفاع از رساله خویش با موضوع صور خیال در نظریه جرجانی از دانشگاه آکسفورد دریافت کرد.

از جمله سمت‌های او می‌توان به این موارد اشاره کرد: استاد افتخاری دانشگاه لندن، استاد صاحب کرسی زبان عربی در دانشگاه لندن از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۸، استاد دانشگاه آکسفورد، تدریس در دانشگاه کلمبیای امریکا (بازیار، ۱۳۹۶، صص. ۵۰-۵۳).

او دارای ده‌ها عنوان کتاب و مقاله به زبان‌های انگلیسی و عربی است، از جمله کتاب‌های او به زبان انگلیسی عبارت‌اند از: *نظریه صور خیال نزد جرجانی*، ۱۹۷۹؛ *البیان، معجم انگلیسی عربی*، مک میلان، لندن، ۱۹۹۰؛ و *دفاع از قرآن* (بازیار، ۱۳۹۶، ص. ۵۴).

به زبان عربی، نیز کتاب‌های متعددی تألیف کرده است، از جمله: *فی الابنیه الإیقاعیه للشعر العربی؛ نحو بدیل جذری لعروض الخلیل و مقدمة فی علم الإیقاع المقارن*، بیروت، ۱۹۷۴؛ *جدلیه الخفاء و التجلی*، بیروت، ۱۹۷۹؛ *الرؤی المقنعة فی الشعرية*، بیروت، ۱۹۸۷؛ *البنی المولده فی الشعر الجاهلی*، بغداد، ۱۹۸۸؛ *الأدب العجائبی و العالم الغرائبی*، آکسفورد، ۲۰۰۶ (همان، ص. ۵۶).

همچنین آثاری در قالب شعر دارد: *سما بلانجوم*، بیروت، ۱۹۶۱؛ *بکائیات من مراثی لرمیة*، بیروت، ۱۹۷۲؛ *معلقة الأضداد*، بیروت، ۱۹۷۲؛ *عذابات المتنبی فی صحبة کمال ابودیوب و العکس بالعکس*، لندن، بیروت، ۱۹۹۶ (همان، ص. ۶۳).

علاوه بر این‌ها دارای ده‌ها مقاله علمی در مجلات و همایش‌ها، ترجمه آثار مختلفی به عربی و انگلیسی، نمایشنامه، ویراستاری کتاب و... است که در این مقاله مجال معرفی آن‌ها نیست (همان، ۱۳۹۶، صص. ۵۴-۶۴).

با مرور بر آثار متعدد ابودیوب به نظر می‌رسد او تلاش کرده است با استفاده از رویکردهای نقد ادبی غربی به بازخوانی میراث ادبی عربی قدیم و معاصر عمدتاً در حوزه شعر پردازد. او خود را ناقدی ساختارگرا می‌داند. برخی ابودیوب را در کنار ادوارد سعید قرار می‌دهند و معتقدند او و ادوارد سعید اگرچه در میان غربیان زندگی کرده‌اند، ولی هویت خود را از دست نداده و با پی بردن به خطر غرب‌زدگی و سلطه فرهنگی غرب همواره تلاش کرده‌اند تصورات غلط غربی‌ها را از شرق و جهان عرب اصلاح کنند. او را باید از پیشگامان مدرنیسم در نقد ادبی در جهان عرب دانست (انصاری و سیفی، ۱۳۹۱، صص. ۲۹-۳۰).

۵. عنوان کتاب

کتاب دارای دو عنوان است: یک عنوان اصلی: *الرؤی المقنعة* و یک عنوان فرعی: *نحو منهج بنیوی فی دراسة الشعر الجاهلی*. آنچه از عنوان برداشت می‌شود این است که نویسنده می‌کوشد با اتخاذ رویکرد ساختارگرایی پرده از جهان‌نگری‌های پنهان در شعر جاهلی بردارد. به همین

دلیل با انتخاب عنوانی فرعی، به مخاطب اعلام می‌کند که به دنبال طراحی الگویی از نقد ساختارگرایی برای بررسی شعر جاهلی است.

۶. شیوه تحلیل ابودیب

کتاب با مقدمه‌ای ۱۰ صفحه‌ای آغاز می‌شود که در آن نویسنده به تشریح هدف و روش خود می‌پردازد. کمال ابودیب نخستین سطر کتاب را با این سخن شروع می‌کند که اصول و مبانی این پژوهش از اساس با آنچه تاکنون (سال ۱۹۸۶) در خصوص شعر جاهلی انجام شده متفاوت است. به این ترتیب، این انتظار را در خواننده ایجاد می‌کند که با تحقیقی متفاوت روبه‌رو خواهد شد. در ادامه توضیح می‌دهد که می‌خواهد پژوهشی متفاوت از پژوهش‌های رایج تاریخی، زبان‌شناختی، بلاغی، و ذوقی با استفاده از دستاوردهای جدید نقد ادبی در حوزه‌های مردم‌شناسی، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، اسطوره‌شناسی، جامعه‌شناسی ادبیات و روایت‌شناسی انجام دهد.

همچنین از محققانی که همچنان از روش‌های سنتی استفاده می‌کنند انتقاد می‌کند که نباید روش‌ها و نگرش‌های ما در قرن بیستم همانند ناقدان و محققان قرن‌های سوم و چهارم هجری باشد (ابودیب، ۱۹۸۶، ص. ۵).

در صفحه دوم به پنج رویکرد برجسته که پژوهش او از آن‌ها بهره گرفته است، اشاره می‌کند:

۱. تحلیل ساختاری اسطوره‌ها - روش کلود لوی استراوس،
 ۲. ریخت‌شناسی قصه‌های پریان - روش ولادیمیر پراپ،
 ۳. رویکردهای جدید تحلیل ادبیات براساس مطالعات زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی به‌ویژه مطالعات رومن یاکوبسن و ساختارگرایان فرانسوی،
 ۴. ساختارگرایی تکوینی به‌ویژه دیدگاه‌های لوسین گلدمن،
 ۵. فرایند شکل‌گیری شفاهی در شعر داستانی، رویکرد ملمان باردی و آلبرت لرد.
- البته در ادامه توضیح می‌دهد که این پژوهش قصد ندارد همه روش‌های به‌کار گرفته شده در این فهرست را پیاده کند یا همه اصول و مبانی نظری آن‌ها را مدنظر قرار دهد، بلکه می‌کوشد از این رویکردها به‌شکلی آگاهانه و با در نظر گرفتن دستاوردها و کاستی‌های آن‌ها

استفاده کند. البته بیشتر به رویکرد ساختارگرایی لویی استراوس و پراپ، نشانه‌شناسی و ساختارگرایی تکوینی گلدمن نظر دارد (همان، ۱۹۸۶، ص. ۶، ۷). نکته مهم دیگری که ابودیوب به آن اشاره می‌کند این است که رویکرد ساختارگرایی عمدتاً بر روی نثر پیاده شده و به‌طور جدی برای مطالعه شعر به کار نرفته است و مهم‌ترین مطالعه ساختارگرایانه در شعر همان پژوهش مشترک استراوس و یاکوبسن درباره شعرگربه‌ها اثر بودلر است (همان، ص. ۱۰).

۷. نوآوری‌های کتاب

۱-۷. توجه به روابط ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

ابودیوب ضمن انتقاد از مطالعات جزئی‌نگرانه، سنتی و احساسی و اکتفا به شرح‌های لغوی و تاریخی در مطالعه شعر جاهلی تأکید می‌کند که این طرح تحقیقاتی که همچنان ادامه دارد و از نظر او هنوز به مرحله تکامل خود نرسیده است. او معتقد است مطالعه شعر جاهلی بدون تحلیل علمی دقیق شامل بررسی روابط ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی امکان‌پذیر نیست (همان، ص. ۱۱).

او در قسمتی کوتاه در اواخر کتاب به ارتباط میان شعر جاهلی و دیدگاه طبقاتی اشاره می‌کند نتیجه می‌گیرد که ساختار چند لایه در جهت تثبیت ایدئولوژی رایج قبیله یا طبقه حاکم حرکت می‌کند و در این ساختار بین ارزش‌های گروهی و فردی هماهنگی کامل وجود دارد، درحالی که در ساختار تک‌لایه چنین نیست، زیرا تثبیت ایدئولوژی حاکم یکی از کارکردهای نظام‌های نمادین هستند. اما ساختار متضاد مانند شعر صعالبیک در جهت عکس حرکت می‌کنند: مقابله با ارزش‌های قبیله یا طبقه حاکم (همان، صص. ۶۶۴-۶۶۷).

۲-۷. توجه به تقابل‌های دوگانه

ابودیوب از همان آغاز نشان می‌دهد که به تقابل‌های دوگانه علاقه زیادی دارد: یکی از مفروضات ساختارگرایی این است که متون را می‌توان براساس مفهوم تقابل دوجزئی تحلیل کرد. از دیدگاه سوسور، زبان مجموعه‌ای از کلمات برای توصیف اشیا و رویدادها نیست، بلکه حائلی بین انسان و جهان است که با افزونه‌های ایدئولوژیک و فرهنگی، چند و چون ادراک ما از واقعیت را تعیین می‌کند. سوسور نشانه‌های زبانی را براساس رابطه آن‌ها با یکدیگر

تبیین می‌کرد و اعتقاد داشت که این رابطه همواره براساس تفاوت شکل می‌گیرد، کلود لوی استراوس این ایده را به حوزه مطالعات مردم‌شناسی بسط داد و به این نتیجه رسید که معنا در ذهن انسان همیشه از راه تقابل مفهومی شکل می‌گیرد، مثلاً جوابی در تقابل با سال‌خوردگی معنی دارد، مرد در تقابل با زن، شادی در تقابل با غم ... ساختارگرایان این رابطه را تقابل دو جزئی می‌نامند و آن را یکی از بنیادی‌ترین ساختارهای تفکر بشر می‌دانند که هم در آیین‌ها و مناسک، هم در اسطوره‌ها و هم در متون ادبی مصداق دارند. استراوس معتقد بود این تقابل‌ها ابزار انسان برای تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی و ادراک است (پاینده، ۱۳۹۷، ص ۱۶۴، ۱۶۵).

ابودیب به شکل گسترده به دنبال شناسایی تقابل‌های دوگانه در شعر جاهلی است. برای مثال می‌کوشد تقابل‌های دو جزئی را در طول قصیده لید شناسایی کند: مثلاً تقابل ماه‌های حلال و حرام، حیوانات تخم‌گذار، حیوانات زنده‌زا، باروری در مقابل مرگ و فنا، تجدد و استمرار در مقابل سکون و جمود، مادر در مقابل فرزند، انسان در برابر طبیعت (ابودیب، ۱۹۸۶، صص. ۵۷-۶۲).

۳-۷. توجه به موتیف و مضمون

او قصاید به جای مانده از دوران جاهلیت را برحسب موتیف‌ها و مضامین به دو جریان تقسیم می‌کند: جریان تک‌بعدی، که از ذات شاعر در مسیری بدون تغییر و در قالب انفجاری احساسی خارج از حدود زمان و مکان شکل می‌گیرد. و دوم، جریان چندبعدی که نقطه اتصال جریان‌های مختلف است که با یکدیگر در تعامل هستند.

از نظر ابودیب مصداق‌های جریان تک‌بعدی، هجو، اشعار عاشقانه، بعضی قصاید در وصف خمر، رثا و برخی اشعار وصفی هستند، ولی جریان دوم در اشعاری تجلی می‌یابد که به صورت عمیق‌تر به دغدغه‌های فکری انسان آن روزگار می‌پردازد.

او به این دو جریان با علامت‌های اختصاری اشاره می‌کند. «ت.و.ب» به جریان تک‌بعدی و «ت.م.ب» به جریان چندبعدی اشاره دارد. درون هر کدام از این جریان‌ها دو ساختار وجود دارد: ساختار تک‌لایه با علامت اختصاری «ب.و.ش» و ساختار چندلایه با علامت اختصاری «ب.م.ش» (همان، ۱۹۸۶، ص. ۴۸، ۴۹). ولی به کارگیری چنین علائم اختصاری که به احتمال

زیاد از زبان انگلیسی الهام گرفته شده در زبان عربی، رایج نیست و خواننده را تا حدی دچار سردرگمی می‌کند.

۴-۷. به چالش کشیدن باورهای کلیشه‌ای

ابودیب این سؤال بنیادی را مطرح می‌کند که آیا این تصور که قصاید دوره جاهلی از یک الگوی سستی پیروی می‌کنند تصویری صحیح است یا اینکه هر قصیده‌ای دارای دیدگاه‌های جوهری خاص خود است که در آن تبلور یافته است. او معتقد است مقدمه طللیه خلاف تصور غالب، صرفاً یک سنت شعری رایج در عصر جاهلی نبوده، بلکه دارای ارزش‌های سمبلیک ناشی از تجربه شعرای یا محتوای قصیده است. او می‌کوشد از منظر نشانه‌شناسی نیز به تحلیل قصیده پردازد و رمزگان‌های موجود در آن را بازخوانی کند. همچنین، در تحلیل‌های او کشف مضمون کلیدی هر کدام از واحدهای ساختاری قصیده اهمیت بسزایی دارد (همان، صص. ۶۴-۶۷).

ابودیب تصور رایج و غالب از شعر جاهلی را (که آن را حاصل بداهه‌گویی و دور از تأمل و عمق و جهان‌نگری می‌داند و ابداع و ابتکار و سبک فردی در شعر جاهلی را نادیده می‌گیرد، گویی همه قصاید به‌جای مانده از آن دوران، یک نسخه است که سایر شعرای جاهلی از آن تقلید کرده‌اند) مورد انتقاد قرار می‌دهد و معتقد است این دیدگاهی است که غربی‌ها براساس شناخت خود از جوامع بدوی دیکته کرده‌اند (همان، ص. ۳۲۷).

او تصریح می‌کند توصیفی که ابن قتیبه از ساختار قصاید جاهلی و شروع آن با وقوف بر اطلال کرده صرفاً درباره قصاید مدح بوده است، ولی سایر محققان سخن او را بر تمام اشعار جاهلی تعمیم داده‌اند. بدین ترتیب محققان را به این نکته متوجه می‌سازد که برخی تصورات و باورهای رایج درباره شعر جاهلی، بر پایه مطالعات علمی دقیق قرار ندارد (همان، ص. ۴۹۶). همچنین، معتقد است خلاف تصور رایج، ساختار قصیده جاهلی بر تقلید استوار نیست و در موارد زیادی نمونه‌هایی از ابتکار و ابداع هم دارد (همان، ص. ۵۱۹).

او تأکید می‌کند خلاف تصور قدما، نباید شعر جاهلی را به‌صورت خطی مورد خوانش قرار داد و گمان کرد که بیانگر تجربیات واقعی شاعر هستند، بلکه تجربه وقوف بر اطلال، سفر و غیره در شعر جاهلی تجاربی خیالی است که شاعر به‌دلیل ظرفیت نمادینی که در آن‌ها نهفته است از آن‌ها استفاده کرده است. او معتقد است مکان در شعر جاهلی جنبه تخیلی دارد

تحلیل ساختاری شعر جاهلی از دیدگاه کمال ابودیب ۳۳۱

و واقعی نیست. وی بر شارحان شعر جاهلی خرده می‌گیرد که به دلیل پای‌بندی به خوانش ظاهری اشعار به دنبال ثبت اسامی مکان در اشعار بودند (همان، صص. ۶۱۱-۶۱۳).

۵-۷. نشانه‌شناسی شعر

ابودیب در لابه‌لای بحث به نشانه‌شناسی هم می‌پردازد؛ برای مثال گرگ در معلقه امری القیس نشان‌دهنده درون شاعر است که قهرمانی ناکام را به تصویر می‌کشد (همان، صص. ۱۴۶). همچنین تلاش می‌کند از رمزگان جنسی پنهان در معلقه امرؤالقیس پرده بردارد. برای مثال، معتقد است حرکت سیل در این معلقه هارمونی درهم پیوستگی جنسی را تداعی می‌کند (همان، صص. ۱۵۱).

او معتقد است صخره و سیل دو عنصر اساسی در قصیده هستند. صخره نشان‌دهنده جاودانگی و سیل نشان‌دهنده سرزندگی است و هر دوی آن‌ها دو قطب وجود شاعر هستند. همچنین، از کشف یکی از ویژگی‌های حیرت‌آور در شعر جاهلی خبر می‌دهد و آن را خلق ثوابت نام می‌نهد. از نظر او زن و اسب دو ساختار ثابت هستند که در بخشی از قصیده رمز زندگی هستند و در بخشی دیگر، رمز بی‌زمانی و کارکرد آن‌ها در قصیده، ایجاد توازن بین ساختارهای دیگر است (همان، صص. ۱۵۲، ۱۵۳).

۶-۷. توجه به ساختارهای مختلف

مؤلف پس از بررسی ساختار زمان و افعال در معلقه امرؤالقیس به ساختار آوایی به‌خصوص تشدید می‌پردازد. از دیدگاه او تشدید یکی از پدیده‌های مهم آوایی در این قصیده است، هم در سطح قافیه و هم در سطح واژگان. طبق آماری که ابودیب نشان می‌دهد، حدود ۱۴۴ واژه مشدد در این معلقه به‌کار رفته است. به اعتقاد او تشدید هم کارکرد ساختاری دارد و هم کارکرد نشانه‌شناختی و با دیدگاه ناشی از تقابل‌های دو جزئی هم مرتبط است (همان، صص. ۱۷۶-۱۸۱).

یکی از جنبه‌های مهم تحلیل ابودیب این است که او نشان می‌دهد خلاف بسیاری از اشعار جاهلی، تنهایی امری القیس در معلقه‌اش مشهود است و قبیله در آن جایگاهی ندارد. به همین دلیل هم در معلقه امری القیس فخر وجود ندارد، نه فخر شخصی و نه فخر قبیله‌ای. زیرا فخر قبیله‌ای ناشی از پذیرفتن هنجارهای اجتماعی و فخر شخصی ناشی از علاقه به

پذیرفته شدن توسط قبیله است. در معلقه امری القیس بحث ادامه نسل هم مطرح نیست (همان، ص. ۱۹۴، ۱۹۵).

او نتیجه می‌گیرد معلقه لبید نشان‌دهنده دیدگاه جمع‌گرا و معلقه امری القیس نشان‌دهنده دیدگاه فردگراست و این دو معلقه تقابل دو دیدگاه شعرای خود را نشان می‌دهند (همان، صص. ۱۹۹ - ۲۰۰).

او در فصل پنجم به تحلیل ساختاری معلقه عنتره می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که نگرانی و پریشانی در ساختار زمان و مکان قصیده وجود دارد که نشان‌دهنده سردرگمی شاعر در برابر محبوب خود، عبله است. این پریشان‌حالی در ساختار افعال و نوسان بین افعال ماضی و مضارع و حتی در ساختار زبانی نیز وجود دارد. در این بخش شاهد نوسان بین استفهام حقیقی، انکاری، ندا، شرط و جمله خبری هستیم (همان، صص. ۲۷۱-۲۷۶).

او در فصل ششم به این نکته اشاره می‌کند که ساختار اطلال در شعر جاهلی دارای دو لایه است: لایه سطحی که همان ایستادن و گریستن است و لایه عمیق که بر عامل زمان و فرایند تغییر و دگرگونی و تراژدی زندگی آدمی دلالت می‌کند. همچنین، تضاد نهفته در این ساختار، تضاد زندگی و مرگ، نابودی و تجدید حیات، همچنین مکان در شعر جاهلی به‌ویژه اطلال در شرایط آباد و حضور انسان مطرح نمی‌شود، بلکه در شرایط منفصل از حضور انسانی و تغییر از آبادی به ویرانی و جایگزین شدن حیوانات و گیاهان به جای انسان مطرح می‌شود (همان، ص. ۳۲۴).

۷-۷. دستاوردهای کتاب

رویکرد ابودیب نتایج مهم و قابل توجهی در بازخوانی شعر جاهلی به دنبال داشته است که به مهم‌ترین آن‌ها به اختصار اشاره می‌کنیم: نکته مهم دیگری که ابودیب به آن می‌پردازد تحلیل این مسئله است که چرا در قصاید رثا و هجو وقوف بر اطلال وجود ندارد؟ زیرا متن رثا بر حتمیت مرگ دلالت دارد و در این شرایط، امید به نجات و اشاره به نمادهای زندگی بی‌معناست (همان، ص. ۳۴۸، ۳۴۹). او خاطر نشان می‌کند از نظر آماری هم درصد قصایدی که با وقوف بر اطلال آغاز می‌شوند زیاد نیست و کم‌تر از ۱۳ درصد قصاید جاهلی در دو مجموعه افضلیات و اصمعیات را شامل می‌شود (همان، ص. ۴۷۳، ۴۷۴).

تحلیل ساختاری شعر جاهلی از دیدگاه کمال ابودیب ۲۳۳

در قسمت پایانی کتاب، پیوستی قرار دارد که ابودیب در آن به منابع اصلی‌ای پرداخته است که در تحلیل شعر جاهلی از آن‌ها استفاده کرده، یعنی جمهرة اشعار العرب، اصمعیات، مفضلیات و دیوان شعرای جاهلی. او با آمار نشان می‌دهد از ۴۹ متنی که در جمهرة اشعار العرب مربوط به شعر جاهلی است، تنها ۲۱ مورد یعنی ۴۲/۵ درصد با وقوف بر اطلال آغاز می‌شود.

در حالی که این نسبت در مفضلیات به ۱۷/۶ درصد می‌رسد که نشان می‌دهد این تصور که اغلب اشعار جاهلی با مقدمهٔ طللیه آغاز می‌شده کاملاً نادرست است. اگر اشعار جاهلی ذکر شده در اصمعیات و مفضلیات را با هم در نظر بگیریم ۱۲/۸ درصد این اشعار با مقدمهٔ طللی آغاز می‌شوند. چنانچه قصاید جمهره را به این دو مجموعه اضافه کنیم و موارد تکراری را حذف کنیم از ۲۴۳ قصیده تنها ۴۵ مورد با اطلال آغاز می‌شود، یعنی ۱۸/۵ درصد (همان، صص. ۶۷۵-۶۷۹). به این ترتیب با آمار و ارقام نشان می‌دهد خلاف تصور رایج، وقوف بر اطلال پدیدهٔ غالب در شعر جاهلی نیست.

او در پایان، یادآور می‌شود که شناخت ساختار حاکم بر شعر جاهلی می‌تواند منبع اساسی فهم ساختار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی باشد. در واقع، رویکرد ابودیب در این کتاب بیشتر از آنکه ساختارگرایی باشد، پساساختارگرایی است. خلاف ساختارگرایی، پساساختارگرایی برای شرایط اجتماعی و موقعیت مؤلف اهمیت زیادی قائل است و متن را نه واحدی مستقل از مؤلف، بلکه جزئی از فرایند بزرگ اجتماعی و گفتگویی می‌داند (نامور مطلق، ۱۳۹۵، صص. ۱۵۷، ۱۵۸).

ابودیب معتقد است دو نوع نگرش در شعر جاهلی تجلی یافته: نگرش محوری که در ساختار آیینی و سمبولیک تجلی یافته و نگرشی متضاد که در ساختار غیر آیینی و مادی تجلی یافته و رابطهٔ بین این دو ساختار، رابطهٔ محور با حاشیه و دیدگاه عمومی با دیدگاه فردی است (ابودیب، ۱۹۸۶، صص. ۶۶۳).

به‌طور کلی این کتاب با نگاهی تازه به شعر جاهلی، بسیاری از دیدگاه‌های سنتی و رایج در این حوزه را به‌چالش می‌کشد. البته آمیخته بودن رویکردهای مختلف در تحلیل‌های کتاب دست‌کم سه اشکال اساسی دارد: اول اینکه همهٔ نمونه‌های مورد بررسی با همهٔ رویکردها بررسی نشده‌اند. بعضی موارد با نگاه ساختارگرایی بررسی شده‌اند، بعضی دیگر با رویکرد نشانه‌شناختی، مواردی با رویکرد روان‌شناسانه. دوم اینکه این تنوع در رویکرد سبب

سردرگمی خواننده می‌شود و او را با انبوهی از تحلیل‌های مختلف براساس رویکردهای گوناگون روبه‌رو می‌کند. و سوم اینکه خلاف عنوان کتاب، بسیاری از تحلیل‌ها چندان هم ساختارگرایانه نیستند. درواقع، ما با طیفی از رویکردها مواجه هستیم که عمدتاً شامل ساختارگرایی، نشانه‌شناسی، اسطوره‌شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است. درواقع، باید گفت رویکرد اصلی ابودیب، پس‌اساختارگرایی است. در این رویکرد، مطالعه متن ادبی در پیوند با بافت اجتماعی و گفتمانی انجام می‌شود (نامور مطلق، ۱۳۹۵، ص. ۱۸).

۸. دیدگاه ناقدان درباره ابودیب

ناقدان در جهان عرب، دیدگاه‌های متفاوتی درباره تلاش‌های نقدی کمال ابودیب اظهار کرده‌اند. عبدالعزیز مقالیح، ناقد یمنی، درباره کمال ابودیب می‌گوید: او انقلابی ریشه‌ای در نقد ادبی ایجاد کرد. همچنین، به توانمندی‌های شاعرانه او اشاره می‌کند و یادآور می‌شود که شهرت او در نقد ادبی، شهرت شاعرانه او را تحت‌الشعاع قرار داده است. او معتقد است ابودیب از جمله ناقدانی است که درک کرده است زبان عربی بدون ترس از جهان‌شمولی سایر زبان‌ها باید برای پی‌ریزی پروژه خود مبارزه کند (روزنامه‌الرأی، ۲۰۰۶/۰۴/۲۶).

بشیر تاویریت معتقد است فضای کلی این کتاب مبهم و مه‌آلود و فهم جدول‌هایی که ابودیب تدارک دیده برای خوانندگان دشوار است. به‌خصوص علائم اختصاری که او به‌کار می‌برد به این ابهامات دامن می‌زند (تاویریت، ۲۰۰۶، ص. ۲۷۳). محمد زغلول سلام هم معتقد است دنبال کردن این علائم و جدول‌ها و نمودارها و فهمیدن آن‌ها خوانندگان را خسته و بیشتر او را از متن شعر دور می‌کند (سلام، دت، ص. ۱۳۹).

موسی رباعه شیوه‌ای که را ابودیب در کتاب خود به‌کار بست از دو جهت برای ناقدان و خوانندگان دارای نوآوری و تازگی می‌داند: یکی مطرح کردن دیدگاه‌های جدید درباره شعر جاهلی که تا پیش از او کسی بیان نکرده بود، دوم، بیان قاطع و شگفت‌انگیز (رباعه، ۲۰۱۱، ص. ۱۵۱). همچنین تصریح می‌کند که برخی معتقدند که رویکردی حاضر و آماده را بر شعر جاهلی تطبیق داده است، عده‌ای هم او را متهم می‌کنند که در تطبیق رویکرد پراپ و لوی استراوس بر شعر جاهلی ناموفق بوده و در مواردی در بیان تقابل‌های دوجزئی در شعر جاهلی اغراق کرده و تقابل‌تراشی می‌کند (رباعه، ۲۰۱۱، ص. ۱۵۴، ۱۵۵).

تحلیل ساختاری شعر جاهلی از دیدگاه کمال ابودیب ۲۳۵

ریتا عوض و محمد ناصر العجیمی معتقدند او به رویکردهایی که انتخاب کرده پای بند نبوده است و در آراء و دیدگاه‌هایش تناقض‌هایی وجود دارد. هر چند که منکر تأثیر و اهمیت کار او نیستند و اذعان می‌کنند که روش او، شیوه نوینی بود که روند مطالعات تکراری را تغییر داد. آن‌ها معتقدند او در تطبیق روش استراوس و پراپ بر شعر جاهلی موفق نبوده است (همان، ص. ۱۵۴).

عبدالعزیز حموده به شدت این کتاب را مورد انتقاد قرار می‌دهد و معتقد است جدول‌ها و نمودارهایی که ابودیب مورد استفاده قرار داده است، بر سردرگمی مخاطب می‌افزاید و او را از نظر فکری خسته و پریشان می‌سازد و به جای اینکه او را به متن نزدیک کند، سبب دوری مخاطب از متن می‌شود. این نمودارها شبیه معماهایی است که مخاطب باید از آن‌ها رمز گشایی کند (حموده، ۱۹۹۸، صص. ۳۸-۴۰).

با وجود همه مخالفت‌ها به اعتقاد نویسنده این مقاله، علی‌رغم اینکه جدول‌ها و نمودارهای کتاب، خوانندگان را دچار سردرگمی می‌کند و استفاده از رویکردهای مختلف، مخاطب را با حجم انبوهی از تحلیل‌ها روبه‌رو می‌سازد که گاه خسته‌کننده و ملال‌آور می‌نماید، ابودیب توانسته با شناخت تقابل‌های دوتایی و بازخوانی شعر جاهلی از دریچه‌های جدید، بسیاری از جنبه‌های مغفول‌مانده شعر جاهلی را آشکار سازد. دستاوردهای این تحقیق از معایب و نواقص آن بیشتر است.

۹. نقاط قوت کتاب

- کتاب، مسئله‌محور است و ابودیب ضمن انتقاد از روش‌های سنتی تحلیل شعر می‌کوشد خوانشی دقیق و علمی از شعر جاهلی ارائه کند.

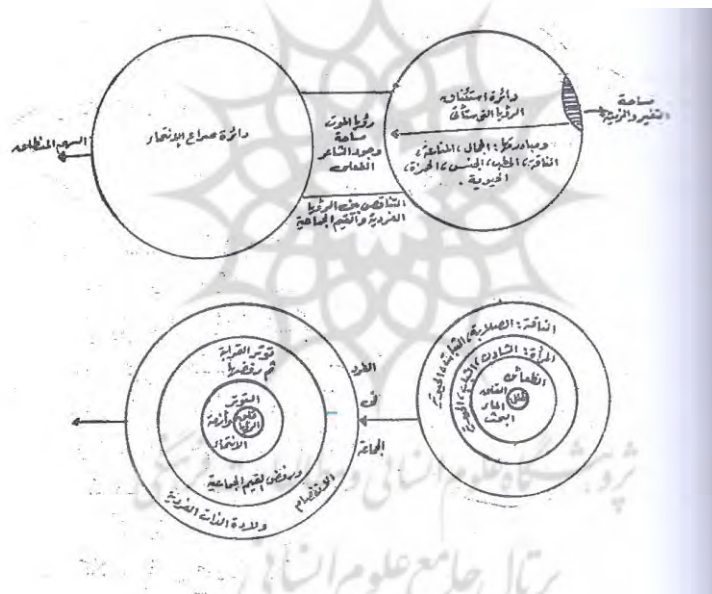
- تلاش‌های ابودیب برای تحلیل مبتکرانه شعر جاهلی با الهام از شیوه‌های جدید نقد ادبی قابل تحسین است، زیرا بسیاری از تصورات سنتی و کلیشه‌ای درباره شعر جاهلی را با تحلیل‌های علمی به چالش می‌کشد.

- علی‌رغم اینکه ابودیب سال‌ها در غرب تحصیل، زندگی و تدریس کرده، ولی غرب‌زده نیست. او تلاش می‌کند با بهره‌گیری از روش‌های نقد غربی، تحلیلی از نگاه شرقی - عربی از شعر جاهلی ارائه کند.

- در این کتاب، جهت‌گیری غیرعلمی دیده نمی‌شود. درخصوص هماهنگی با ارزش‌های ایرانی - اسلامی هم نکته منفی به چشم نمی‌خورد.
- به‌طور کلی فصل‌های کتاب در راستای مسئله و هدف اصلی کتاب طراحی شده، یعنی شناخت دیدگاه‌های پنهان در شعر جاهلی. هرچند در مواردی مانند فصل پنجم، عنوان گنگ و مبهم است.

۱۰. نقاط ضعف کتاب

- حجم زیاد صفحات کتاب و توضیحات مفصل نویسنده، کسل‌کننده است.
- جدول‌ها، نمودارها و علائم اختصاری که عمدتاً ابداعی نویسنده هستند، بیش از آنکه به فهم تحلیل‌ها کمک کنند، بر پیچیدگی آن می‌افزایند. مانند این نمونه:



استفاده از رویکردهای مختلف سبب شده است خلاف عنوان، تحلیل‌ها فقط ساختارگرایانه نباشد. ضمن اینکه مخاطب با حجم انبوهی از تحلیل‌ها مواجه است که گاه سبب خستگی ذهنی خواننده می‌شود.
- صفحه‌آرایی بیش از حد ساده و کسل‌کننده است.
- کتاب فاقد فهرست منابع است.

تحلیل ساختاری شعر جاهلی از دیدگاه کمال ابودیب ۲۳۷

- جدول‌ها و نمودارهای بسیاری در قسمت‌های مختلف کتاب دیده می‌شود، ولی فهرست جداگانه‌ای ندارد.

- برخی تحلیل‌ها به نظر اغراق‌آمیز می‌آید، مانند اصرار بیش از اندازه بر ربط دادن تصاویر و رمزگان‌های معلقه امرؤالقیس با موضوعات جنسی.

به نظر می‌رسد این کتاب می‌تواند به‌منزله منبع کمک آموزشی برای درس نقد ادبی در مقطع دکتری مورد توجه قرار گیرد.

۱۱. پیشنهادها

- در طراحی جلد کتاب از تصاویری استفاده شود که حال و هوای دوران جاهلیت را تداعی سازد.

- حجم کتاب کاهش یابد.

- تحلیل‌ها بر یک رویکرد متمرکز باشد.

- نویسنده کتاب می‌تواند بررسی شعر جاهلی از منظر نشانه‌شناسی، اسطوره‌شناسی یا روان‌شناسی را در کتابی جداگانه مطرح کند.

- جدول‌ها و نمودارها به گونه‌ای باز ترسیم شود که برای مخاطبان گویا باشد.

۱۲. نتایج

کتاب *الرؤی المقنعة؛ نحو منهج بنیوی فی الشعر الجاهلی* یکی از آثار شاخص در زمینه تحلیل و نقد متون ادبیات کهن با استفاده از رویکردهای نوین نقد ادبی است. اگرچه عنوان فرعی کتاب مدعی حرکت به سوی تحلیل ساختاری است، ولی روشی که ابودیب در عمل به کار برده، ترکیبی است از روایت‌شناسی ساختارگرای ولادیمیر پراپ، اسطوره‌شناسی ساختارگرای کلود لوی استراوس و تاحدی هم ساختارگرایی تکوینی لوسین گلدمن. در واقع، رویکرد اصلی کتاب بیش از آنکه ساختارگرایانه باشد، پساساختارگرایی است. استفاده از رویکردهای مختلف به انسجام مطالب لطمه می‌زند و سبب خستگی ذهنی خواننده می‌شود. او تلاش کرده تا خوانشی جدید از شعر جاهلی ارائه دهد و به جای تمرکز بر متون داستانی و حکایت که غالباً مورد توجه ساختارگرایان است، شعر جاهلی را بررسی و تحلیل کند.

محورهای اصلی تحلیل‌های ابودیب را تقابل‌های دوجزئی، نشانه‌شناسی تصاویر شعری و آشکار کردن جهان‌نگری شاعر براساس روابط طبقاتی و اجتماعی شکل می‌دهد. تحلیل‌های موشکافانه او توانسته خوانشی دقیق‌تر و عمیق‌تر از شعر جاهلی ارائه دهد و بسیاری از دیدگاه‌های سنتی و کلیشه‌ای در این حوزه را به چالش بکشد. اما حجم زیاد صفحات کتاب و توضیحات مفصل او در بسیاری موارد سبب خستگی و ملال خواننده می‌شود. همچنین، استفاده از جدول‌ها، نمودارها و علائم اختصاری به جای وضوح، بر ابهام و غموض مطالب می‌افزاید، به طوری که خواننده باید زمان زیادی را برای رمزگشایی و فهمیدن آن‌ها صرف کند.

با همه این‌ها این کتاب را می‌توان نمونه‌ای نسبتاً موفق از به‌کارگیری شیوه‌های نقد ادبی جدید در تحلیل متون کهن به‌شمار آورد.

منابع

- احمدی، ب. (۱۳۸۶). ساختار و تأویل متن. تهران: نشر مرکز.
- انصاری، ن.، و سیفی، ط. (۱۳۹۱). نظریه‌های موسیقی در شعر فارسی و عربی با نگاهی مقایسه‌ای به آثار محمدرضا شفیعی کدکنی و کمال ابودیب. لسان مبین، ۷، ۲۴-۳۵.
- بازیار، ر. (۱۳۹۶). واکاوی رویکرد نقادی کمال ابودیب با تکیه بر نقد ساختارگرایی. رساله دکتری. دانشگاه تهران.
- پاینده، ح. (۱۳۹۷). نظریه و نقد ادبی. تهران: سمت.
- ابودیب، ک. (۱۹۸۶). الرؤی المقنعه، نحو منهج بنیوی فی دراسة الشعر الجاهلی. الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- حموده، ع. (۱۹۹۸). المرایا المحدثه، من البنیویة إلی التفکیک. الكويت: عالم المعرفة.
- تاویرت، ب. (۲۰۰۶). رواج البنیویة فی کتابات النقاد العرب المعاصرين مفاهیم و اشکالیات. الأثر، الجزائر، ۵.
- راغب، ن. (۲۰۰۳). موسوعة النظريات الأدبية. القاهرة: الشركة المصرية العالمية للنشر.
- ربابعة، م. (۲۰۱۱). تشکیل الخطاب الشعري؛ دراسة فی الشعر الجاهلی. عمان: دار جریر.
- روزنامه‌الرأی، ۲۰۰۶/۰۴/۲۶. <http://alrai.com/article/164253.html>.
- شفیعی کدکنی، م. ر. (۱۳۹۱). رستاخیز کلمات؛ درس گفتارهایی درباره نظریه ادبی صورت‌نگرایان روس. تهران: سخن.

تحليل ساختاری شعر جاهلی از دیدگاه کمال ابودیب ۲۳۹

سلام، م.ز. (د.ت). *التقد الادبی المعاصر البنیویہ و ما بعدها*. منشأة المعارف بالاسکندریه. مطبعة نورالسلام. العجیمی، م.ن. (۱۹۹۱). *المناهج المبتورة فی قراءة التراث الشعری، البنیویة نموذجاً. الفصول، ۳۵ و ۳۶*، ۱۰۹-۱۲۰.

فضل، ص. (۱۹۹۸). *نظریة البنائیه فی التقد الأدبی*. بیروت: دارالشروق.
نامور مطلق، ب. (۱۳۹۵). *بینامتنیت؛ از ساختارگرایی تا پسامدرنیسم*. تهران، سخن.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی